

بررسی نقش و جایگاه آقامحمد استرآبادی، وزیر دارایی پادشاه نارای کبیر، در رشد اقتصادی و تجاری آیوتایا

چکیده:

آقامحمد استرآبادی نیز همچون شیخ احمد قمی، از جمله ایرانیانی بود که به دلیل داشتن برخی تواناییها و ویژگیها، مورد توجه دربار آیوتایا قرار گرفت و مناصب درباری را تا بالاترین حد آن پیمود. وی مدت زیادی مدیریت امور تجاری و مالی آیوتایا و پادشاه نارای کبیر را به عهده داشت و نقش مهمی در گسترش تجارت دریایی تایلند ایفاء نمود. در این زمان ایرانیان روابط تجاری گسترده‌ای با سرزمینهای ساحلی اقیانوس هند، خلیج بنگال و دریای چین داشتند و ناوگان دریایی ایران پیوسته بین خلیج فارس و دریای چین در حال رفت و آمد بود. در زمان صدارت آقامحمد استرآبادی در دربار آیوتایا، نخستین سفیر آیوتایا به دربار صفوی در ایران فرستاده شد. آقامحمد که بی‌تردید یکی از اثرگذارترین خارجی‌ان ماندگار در تایلند بود، تأثیر زیادی در معرفی فرهنگ ایرانی و اسلامی در سرزمین تایلند داشت و خاطره خوبی از ایرانیان و فرهنگ ایرانی در این سرزمین برجای گذاشت.

کلید واژه‌ها: ایران - تایلند - آیوتایا - آقامحمد استرآبادی - تجارت دریایی

آقامحمد استرآبادی و حکومت آیوتایا

در کتابی به نام سکون بوناک دربارهٔ شجرهٔ نوادگان شیخ احمد قمی نوشته شده است که پدر آقامحمد در سال ۲۱۴۵ بودایی / ۱۵۹۲ میلادی به همراه شیخ احمد قمی وارد آیوتایا شد. شیخ احمد قمی همزمان با اواخر حکومت پادشاه پرانریسون و در شرایطی وارد آیوتایا شد که پایتخت سیام از پیامدهای جنگ فرسایشی با برمه رنج می‌برد. آقامحمد به همراه هموطنان ایرانی اش در آیوتایا و در محله‌ای که بعدها به محلهٔ ایرانیها شهرت یافت، مستقر شد.

هر چند دربارهٔ تاریخ دقیق ورود آقامحمد استرآبادی به آیوتایا آگاهی دقیقی در دست نیست، اما این نکته دارای اهمیت است که آقامحمد استرآبادی نیز همانند شیخ احمد قمی توانست ارتباط نزدیکی با دربار آیوتایا برقرار سازد. در کتاب نامبردهٔ بالا آمده است که محمد استرآبادی بنابه توصیف یکی از درباریان و نزدیکان شاه نارای، توانست با چی، دختر شیخ احمد قمی (بیوهٔ شاه پراسوتانگ)، ازدواج کند.

بررسیهای تاریخی نشان می‌دهند که در سال ۲۱۹۹ بودایی / ۱۶۵۶ م. و در پی فوت شاه پراسوتانگ، بین شاهزادگان بر سر مقام و منصب، نزاع سختی درگرفت. پراسیتوتام راجا خود را پادشاه خواند، اما تنها پس از دو ماه توسط ولیعهد خود، شاه نارای، به قتل رسید.

ما در این مقاله درصدد بررسی جنگ و نزاع شاهزادگان دربار آیوتایا نیستیم، اما پرسش مهم این است که شاه پراسیت چگونه از مقام خود خلع گردید و کشته شد؟ اسناد تاریخی گواه این است که نارای با استفاده از نیروهای خارجی مقیم آیوتایا از جمله ماتها، چامها، مالایوها و ایرانیها توانست بر رقیب خود چیره شده و بر تخت سلطنت بنشیند. کتاب سفینهٔ سلیمانی که امروزه یک سند تاریخی زنده و با اهمیت مربوط به تاریخ آیوتایا است، در این باره یادآور شده است که شاه نارای با ایرانیها آشنا بود و روابط نزدیکی با آنان داشت. وی به همراه جمعی از ایرانیها که فریاد یا علی سر می‌دادند، خود را به قصر رساند؛ به نیروهای داخل کاخ حمله نمود و کار را یکسره ساخت. محمد بن ابراهیم، نویسندهٔ کتاب سفینهٔ سلیمانی، همچنین بر این باور است که پادشاه نارای کبیر که به کمک ایرانیها توانسته بود بر تخت سلطنت تکیه زند، به پاس این خدمت بزرگ ایرانیها، آنها را گرامی داشت و به مقام و منزلت آنان در دربار خود افزود. وی هر

ساله در مراسم عزاداری محرم ایرانیها شرکت می‌جست و بخشی از هزینه‌های مربوط به این مراسم، از جمله هزینه غذا، شمع و نفت آن را می‌پرداخت. نکته جالب توجه دیگر اینکه وی دستور داده بود یک معبد بودایی را تخریب کرده و به جای آن، مسجد بسازند. او همه این کارها را پاسخ به خدمت بزرگی می‌دانست که آقامحمد استرآبادی در حق وی انجام داده بود، زیرا آقامحمد نقش مهمی در پیروزی و دستیابی وی به قدرت داشت، به همین سبب نیز بود که پیشنهاد و درخواست چائو پرایا اپیراچا را پذیرفت و چی، بیوه عمویش، شاه پراسوتانگ، را به عقد وی درآورد.

در منبع یادشده از آقامحمد چنین توصیف شده است: او از خانواده‌ای مرفه و دارای هوش و استعداد بالا بود که در شهر آیوتایا به تجارت اشتغال داشتند. وی پس از آموختن زبان و فرهنگ تایی، وارد دربار آیوتایا شد و توانست مناصب درباری را تا منصب وزارت اقتصاد و دارایی طی کند و از نزدیکان و افراد محبوب و مورد علاقه شاه شود. او در کار جدیت و مدیریت قابل توجهی داشت؛ سیاستمداری زیرک بود و به علوم اداری و مدیریتی آشنایی داشت و همین توانایی وی در مدیریت جلسات، ملاقاتها و ارتباطات، موجب شد پادشاه نارای بزرگ نیز به وی علاقه و توجهی ویژه نشان دهد و از او چیزهای بسیاری بیاموزد.

نقش آقامحمد (اکپراسینورت) در وضعیت تجاری حکومت شاه‌نارای

در دوره آیوتایا و بنابر قوانین موجود در آن زمان، شاه در انتخاب و خرید کالا حق تقدم داشت و کالاهایی که شاه قصد خرید یا فروش آنها را داشت، به عنوان کالاهای ممنوعه تلقی می‌شدند که افراد عادی حق نداشتند پیش از اخذ مجوز از وزارت دارایی، نسبت به خرید یا فروش آنها اقدام نمایند. وزارت دارایی نیز موظف بود کالاهای ممنوعه را جمع‌آوری کرده و نسبت به فروش و یا صادر کردن آنها به خارج از کشور اقدام نماید. در اسناد مربوط به اسپانیاییها آمده است که بخش زیادی از درآمد پادشاه آیوتایا از راه صادرات این‌گونه اقلام به کشورهای همسایه و کشورهای دیگر فراهم می‌شد. وظیفه اصلی وزارت مالی و دارایی که آقامحمد استرآبادی مسئولیت آن را به‌عهده داشت، نظارت بر اموال شاه، جمع‌آوری مالیات و تهیه و

توزیع بودجه کشور بود. افزون بر آن، امور تجاری، به‌ویژه روابط تجاری آیوتایا با کشورهای دیگر و همچنین پشتیبانی خدماتی و مالی نیروهای نظامی نیز به‌عهده این وزارتخانه بود.

آقامحمد در دوره شاه‌پراسوتانگ و هم در زمان شاه‌نارای، وزیر دارایی بود. دو نکته دارای اهمیت در آن زمان، یکی نفوذ کمپانیهای هلندی در مناطق شرقی و جنوبی آسیا و دیگری تقویت روابط تجاری با بنادر هند و مالزی بود. اسناد به‌جای مانده از هلندیها به این نکته اشاره دارند که بخش عمده‌ای از موفقیت پادشاه آیوتایا در امر تجارت با کشورهای دیگر، مرهون حضور مورها، یعنی مسلمانان، به‌ویژه ایرانیان، در صحنه تجارت خارجی آن بوده است. همچنین در اسناد مربوط به هلندیها آمده است که در اوایل حکومت شاه‌نارای، یعنی در سال ۲۲۰۳ بودایی / ۱۶۶۰م. مورها، یعنی همان مسلمانان ایرانی، با کشتیهای تجاری چینی از بندر تجاری آیوتاتا به مقصد چاپان حرکت کردند. در هر یک از آن کشتیها چند نفر تاجر چینی و بیست و دو تاجر مور حضور داشتند. آنها انواع پارچه را از سواحل چین و بنگال به آیوتایا وارد کرده و از آیوتایا پوست، کوزه، ادویه و کالاهای دیگر را به این مراکز صادر می‌کردند. دلیل موفقیت ایرانیها در امر تجارت، ارتباط آنان با تجار ایرانی ماندگار در این نواحی بوده است. همین‌نوع ارتباط سبب شد ایرانیان ماندگار آیوتایا بتوانند کالاهای مناسب و ارزانی را از این مناطق خریداری کرده و کالاهای خود را با قیمتی مناسب به‌فروش برسانند. این امر نگرانی کمپانیهای هلندی را سبب شد، زیرا این ترتیب موجب می‌شد کمپانیهای هلندی نتوانند به‌خوبی اهداف تجاری خود را در این منطقه پیش برند.

در این سند همچنین آمده است که در سال ۲۲۰۴ بودایی / ۱۶۶۰م. یک کشتی از آیوتایا بیست و سه نفر مور و پنجاه و چهار نفر چینی را به بندر ناکازاکی آورده و ناخدای این کشتی متعلق به آقامحمد، شخصی به‌نام محمدحسین بود. در سند دیگری نیز آمده است که شاه‌نارای دو کشتی تجاری به نامهای اکیاپسشیر و پروان را در سال ۲۲۰۴ بودایی / ۱۶۶۰م. به بندر ناکازاکی فرستاد. یکی از این دو کشتی در بین راه غرق شد و دیگری پس از یک‌سال به آیوتایا بازگشت.

در اسناد ژاپنی که توسط فردی به نام ناگاشیما هیرومو (Nagashima Hiromu) نگاشته

مقاله ● بررسی نقش و جایگاه آقامحمد استرآبادی، وزیر دارایی پادشاه نارای کبیر، در ... / ۸۳

شده، نیز آمده است که در سال ۲۲۰۶ بودایی، سه کشتی از بندر آیوتایا به بندر ناکازاکی ژاپن رسیدند که یکی از این سه کشتی متعلق به شخص پادشاه بود و دو کشتی دیگر نیز به آقامحمدخان و یکی از مقامهای ژاپنی تبار آیوتایا تعلق داشتند. ناخدای کشتی تجاری مربوط به پادشاه، یک چینی بود و کشتی آقامحمدخان را نیز یک ایرانی به نام حافظ هدایت می‌کرد. مطالب پیشین چشم‌اندازی از وضعیت تجاری تایلند و ارتباط آن با کشورهای دیگر، از جمله ژاپن، بود. این امر نشان می‌دهد آقامحمد استرآبادی که مسئولیت امور مالی و تجاری آیوتایا را به عهده داشت، با ژاپنیها نیز تجارت داشته و بر کشتیهای تجاری دولت وقت سیام نظارت می‌نمود.

رشد و پیشرفت آقامحمد

بحران روابطی که در سال ۲۲۰۷ بودایی بین هلند و سیام پدید آمده بود، به امضای عهدنامه سیاسی و تجاری بین شاه‌نارای و هلندیها منجر شد. در یکی از مواد این عهدنامه قید شده بود که کشتیهای تجاری آیوتایا نباید از ملوانان و کارکنان چینی و ژاپنی استفاده کنند. این امر از آنرو بود که هلندیها مایل نبودند سیامیها در امر تجارت در این منطقه به رقابت با آنها بپردازند، زیرا بخش بزرگی از روابط تجاری هلندیها در منطقه با ژاپنیها و چینیهها بود و به کارگیری ملوانان ژاپنی و چینی توسط سیامیها موجب می‌شد فضا و ظرفیتهای تجاری هلندیها در این دو کشور کاهش یابد. برای رفع این مشکل، آقامحمد استرآبادی پیشنهاد کرد پادشاهی سیام روابط تجاری خود را با مسلمانان تقویت کند و پادشاه را به این امر متقاعد ساخت که توسعه روابط تجاری با مسلمانان می‌تواند مانع از توسعه نفوذ و قدرت هلندیها در منطقه گردد. این امر موجب نفوذ و حضور بیش از پیش تجار مسلمان در منطقه شد.

بسیاری از حکام محلی و مسئولان امور تجاری، به ویژه در مناطق غربی خلیج تایی، از جمله شهرهای تناوسری، مرید، پرانبیری و پچبوری، مسلمان بودند. همچنین شاه‌نارای گارد ویژه دربار را از یک‌گروه پانصد نفره ایرانی تشکیل داده بود. در این گروه، شصت سرباز سواره نظام

مسلمان غیر تایی از نژادهای دیگر ماندگار در آیوتایا هم حضور داشتند. نفوذ و قدرت آقامحمد موجب شده بود مسلمانان از قانون یک‌ماه سربازی - یک‌ماه استراحت، معاف شوند.

اکپراسینورت یا آقامحمد استرآبادی، کسی بود که توانست روابط دوستانه ایران و سیام را تحکیم بخشد. در سال ۲۲۱۱ بودایی / ۱۶۶۸ م. بنابه دستور شاه‌نارای، نخستین سفیر آیوتایا به دربار ایران فرستاده شد. وی در بین راه به دزدان دریایی برخورد و با مشکلات فراوان دیگری نیز رو به رو گردید، اما سرانجام پیام پادشاه سیام را به سلطان سلیمان صفوی ابلاغ کرد. کنستانتین فالکن یونانی که برای کمپانی بریتانیا کار می‌کرد، با سفیر آیوتایا که از ایران بازمی‌گشت و کشتی‌اش در نزدیکی سواحل مالابار هندوستان غرق شده بود، ملاقات کرد.

پس از فوت آقامحمد، آیوتایا هم‌چنان پایبند به توسعه روابط با ایران بود. در سال ۲۲۲۳ بودایی، کنستانتین فالکن از مقامهای آیوتایا خواست تا در سفر سفیر آیوتایا به ایران، وی را همراهی نماید. دولالویر فرانسوی نوشته است که این هیئت توانست کالاها را دو برابر قیمت آن به فروش رساند. در سال ۲۲۲۵ بودایی / ۱۶۸۲ م. شاه‌نارای، حاجی سلیم مازندرانی را به‌عنوان سفیر خود به ایران فرستاد و هیئت او جزء واپسین هیئتهای دیپلماتیک آیوتایا به‌شمار می‌آید.

در اسناد هلندیها آمده است که آقامحمد ریاست یکی از دو محله مربوط به مورها را به‌عهده داشت. وی بعدها به منصب ریاست کل کارکنان دولت انتخاب شد و مراتب ارتقاء مقام اداری را تا کسب بالاترین مقام دولتی گذراند و بانفوذترین مقام دربار شد. دولالویر فرانسوی درباره زندگی آقامحمد نوشته است: مورها از ثروتمندترین خارجیان مقیم آیوتایا به‌شمار می‌آمدند؛ دلیل آن نیز داد و ستد آنان با ژاپنیها و اروپاییها بود. همچنین در خاطرات یک مبلغ مسیحی به‌نام پدر دوشواس نیز آمده است که خانه مورها در زیباترین منطقه آیوتایا قرار داشت؛ خانه‌هایی آجری و سیمانی که برای مردم منطقه، خانه‌هایی اشرافی و اعیانی به‌شمار می‌آمدند. خانه آقامحمد نیز چنین تصویر شده است: خانه‌ای دارای دیوارهای شیشه‌ای. در اطراف خانه آقامحمد، خانه‌های کارکنان و خدمتگزاران وی قرار داشتند. آن‌خانه نزدیک معبد اممی بنا شده بود و به آن منطقه بندر آقایی هم گفته می‌شد. مسجدی نیز در محله‌ای به‌نام کدی‌یای قرار داشت.

مقاله ● بررسی نقش و جایگاه آقامحمد استرآبادی، وزیر دارایی پادشاه نارای کبیر، در... / ۸۵

همه این اسناد از وضعیت زندگی ایرانیها و در رأس آنها، آقامحمد حکایت دارد. با مطالعه اینگونه منابع می‌توان به ترسیم بخشی دیگر از جزییات زندگی ایرانیان و آقامحمد پرداخت. نیکلاس شرویس، یکی دیگر از جهانگردان غربی، در خاطرات خود نوشته است که مورها دمپایی می‌پوشیدند و این نوع پاپوش، رفته‌رفته بین کارکنان محلی نیز که گاهی یونیفورم ویژه‌ای نیز می‌پوشیدند، رواج یافت. آقامحمد لباس ملی خودش را بر تن می‌کرد و در خانه‌اش از چوبهای خوشبوکننده استفاده می‌نمود. اطراف خانه‌ی وی، جوی آب روان و از درخت پوشیده بود. غذایش را بیشتر گوشت گوسفند و بز و فرآورده‌های لبنی مانند کره و نان گندم تشکیل می‌داد؛ از این‌رو، کره تنها در محله‌ی مورها پیدا می‌شد و این کالا را بیشتر از شهر سرت و بندر بنگال وارد می‌کردند.

به نظر می‌رسد نوشیدن چای و قهوه و کشیدن قلیان از سنتهای رایج در بین ایرانیان ماندگار در آیوتایا باشد. مورها پزشک ویژه‌ای از خود داشتند. در خاطرات نیکلاس شرویس آمده است که مورها از زهره‌دان انسان برای معالجه برخی امراض استفاده می‌کردند و آن را از ملایویها می‌خریدند. آقامحمد توانسته بود به دلیل نفوذ خود در دربار، پذیرش عمومی و سیاست فضای باز فرهنگی شاه‌نارای، فرهنگ ایرانی را معرفی نماید و گسترش دهد. او همه‌ساله در ایام محرم به همراه هموطنان شیعی و ایرانی خود در محله‌ی ایرانیها مراسم عزاداری محرم و مراسم روز عاشورا را برپا می‌کرد و مردم آیوتایا آن را کیک چاوسین می‌نامیدند.

پایان زندگی آقامحمد

آقامحمد ثروت بسیار و منصب بالایی داشت. انتظار طبیعی از وی چنین بود که واپسین سالهای زندگی‌اش را نیز به خوبی و خوشی سپری کند، اما متأسفانه چنین نشد. آمده است که سربازان ایرانی که آقامحمد آنان را برای حفاظت از پادشاه و حفظ امنیت شهر از بمبئی و مناطق دیگر به آیوتایا آورده بود، به دلیل رفتار نابرابر آقامحمد در امر تقسیم حقوق و توجه ویژه‌ی او به بستگانش، از وی به شاه شکایت کردند. پس شاه‌نارای بر آقامحمد خشمناک شد و دستور داد او را از مناصبش خلع نموده و دهانش را بدوزند. هر چند در این باره آگاهی دقیقی در دست نیست،

اما گفته شده است که آقامحمد در سن هشتادوپنج سالگی و با حالتی اسفبار از دنیا رقت و برکناری او از قدرت با گسترش نفوذ غریبها در دربار آیتو تیا همزمان شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشتها:

۱. سکون بوناک، شجره‌نامه خانواده بوناک، منتشره از سوی کلپ خانوادگی بوناک.
 ۲. تاریخ پادشاهان سیام، منتشره از سوی دانشگاه سیلپاکارن.
 ۳. خلاصه سفینه سلیمانی، ترجمه دیریک کل سود.
 ۴. اسناد روابط اسپانیا و تایلند، ترجمه چانشای پاپیرم.
 ۵. بیروج کیش منکج، تاریخ روابط سیام با کشورهای دیگر در سده نوزده.
 ۶. سیرنک ترونک چیت، چائوپرایا رستایک.
 ۷. دوشواس، گزارش روزانه سفر به سیام - ۱۶۸۵-۸۶ م.
 ۸. نیکلاس شرویس، تاریخ تابعیت و سیاست در سیام.
 ۹. پدر تاشارد، گزارش سفر به سیام.
 ۱۰. گزارش سفر دولالویر فرانسوی.
 ۱۱. عهدنامه سیام و هلند، منتشره از سوی وزارت خارجه تایلند.
 ۱۲. ساموئل وایت، سیام، ترجمه چرون شایشان.
13. Hiromu Nagashima, *Iranians Who Knocked "the Closed door" of Japan in the Edo Period*, Tokyo: Nagasaki Prefectural university.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی